



صداوسیما جمهوری اسلامی ایران
معاونت سیاسی

اداره پژوهش‌های سیاسی

معلم، آموزش و پرورش و انتخابات

سه موضوع اصلی بیانات رهبر انقلاب در دیدار فرهنگیان

شاخص یابی بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان (۹۶/۰۲/۱۷)

فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

– گروه تلگرام پژوهش خبری صداوسیما <https://telegram.me/pajooheshkhabar>

– پژوهشگر: امید جلوداریان

بسمه تعالی

□ مقدمه

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار معلمان و فرهنگیان در تاریخ هفدهم اریبهشت ۹۶ درباره سه موضوع اصلی "معلم"، "آموزش و پرورش" و "انتخابات" سخن گفتند. در این پژوهش، بیانات ایشان شاخص یابی و مؤلفه‌های کانونی، محورها، پرسش‌ها و شبهه‌ها در این باره استخراج و به استناد عین عبارات آورده شده است. در بخش‌های دیگر نیز بیانات ایشان از زاویه تحلیل محیطی و آینده‌نگری بررسی و در پایان، ملاحظات رسانه‌ای و پیشنهادهای برنامه‌سازی مرتبط مطرح شده است.

ایشان درباره معلم به محورهایی نظیر فعلیت بخشی معلم به نیروی انسانی، سرمایه گذاری بودن هزینه برای معلم، لزوم جدی گرفتن دانشگاه فرهنگیان و جفابودن ابزار سیاسی قراردادن جامعه معلمان اشاره می‌کنند.

رهبر انقلاب درباره آموزش و پرورش نیز، این نهاد را زیرساخت اصلی علم و تحقیق در کشور می‌دانند و بر لزوم برنامه ریزی و حرکت درست برای تقویت این زیرساخت و وظیفه تربیت کنندگی آموزش و پرورش تاکید می‌کنند. شکل‌گیری جریان‌های علیه آموزش پرورش با هدایت از بیرون نکته مهم دیگری است که رهبر معظم انقلاب به آن اشاره می‌کنند و هدف این جریان را بی ارزش و بی اعتبار کردن آموزش و پرورش برمی‌شمارند.

خطاب‌بودن دانشگاه گرایی در آموزش و پرورش نیز نکته بسیار مهمی است که رهبر معظم انقلاب درباره آن خطاب به مسئولان نکاتی را مطرح می‌کنند.

تحول در آموزش و پرورش بر اساس سند تحول و نپذیرفتن سند ۲۰۳۰ سازمان ملل و یونسکو نیز از جمله محورهایی است که رهبر معظم انقلاب بر آن تاکید می‌کنند و اصل کار تعیین تکلیف برای ملت‌های گوناگون را غلط می‌دانند.

انتخابات نیز شاخص دیگری است که رهبر انقلاب به آن اشاره می‌کنند. حیاتی بودن انتخابات برای کشور، مهم بودن نفس انتخابات، گره گشا بودن حضور مردم در انتخابات، ترسیدن دشمنان از هیبت جمهوری اسلامی با در صحنه بودن مردم و مراقبت درباره دلسرد کردن مردم از حضور در انتخابات از جمله محورهای مهمی است که ایشان در این باره بر آنها تاکید می‌کنند.

مدیریت پژوهش‌های خبری

۱۳۹۶/۰۲/۲۷

فصل اول:

پژوهش
تحری
معاونت ساسی
صدا و سیما

نمودار سازی

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار معلمان و
فرهنگیان

الف – نمودار مؤلفه‌های کانونی در بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان

- ۱- معلمی، شان و نه فقط شغل
- ۲- دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه معلم پرور
- ۳- معلم، پرورنده اخلاق
- ۴- ابزار سیاسی قرارداد معلم
- ۵- زیرساخت اصلی علم و تحقیق
- ۶- تربیت نسل آینده
- ۷- جریان نفوذی در آموزش و پرورش
- ۸- بیماری دانشگاه گرایی
- ۹- سند تحول
- ۱۰- سند ۲۰۳۰ یونسکو
- ۱۱- حضور فوری و فوتی در صحنه
- ۱۲- هیبت ناشی از حضور

ب - نمودار کلی شاخص‌های محوری در بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان

معلم

- الف) معلم، فعلیت بخش نیروی انسانی
ب) معلم، نقد کننده نیروی انسانی
ج) معلمی، یک شان و مقام نه صرفاً کارمند یک اداره
د) سرمایه گذاری بودن هزینه برای معلم
ه) لزوم جدی گرفتن دانشگاه فرهنگیان:
۱- دانشگاه فرهنگیان، تولیدکننده معلم
۲- اهمیت بیشتر دانشگاه فرهنگیان از دیگر دانشگاه ها
۳- لزوم افزایش ظرفیت های پذیرش دانشگاه فرهنگیان
و) معلم پرورنده اخلاق:
۱- منبع الطبعی
۲- صبر
۳- تدین
۴- متانت
ز) جفا بودن ابزار سیاسی قراردادن جامعه معلمان

آموزش و پرورش

- الف) آموزش و پرورش، زیرساخت اصلی علم و تحقیق در کشور:
۱- علم و تحقیق، نیاز اساسی بلندمدت و میان مدت و کوتاه مدت کشور
۲- آسان شدن تولید در پی فراهم بودن زیرساخت
۳- لزوم برنامه ریزی و حرکت درست برای تقویت زیرساخت علم و تحقیق
۴- کم توجهی به آموزش و پرورش، لطمه زنده به زیرساخت علم و تحقیق:
- اِذَا فَسَدَ الْعَالَمُ، فَسَدَ الْعَالَمُ
ب) تربیت نسل آینده، وظیفه آموزش و پرورش:
۱- باایمان
۲- باوفا
۳- مسئولیت پذیر
۴- دارای اعتماد به نفس
۵- باابتکار
۶- راستگو
۷- شجاع
۸- باحیا
۹- اهل فکر و اندیشه
۱۰- عاشق کشور و نظام
۱۱- عاشق مردم
۱۲- محکم و قوی و عازم و جازم
۱۳- پیشرو
۱۴- فعال
ج) شکل گیری جریانی علیه آموزش پرورش در کشور با هدایت از بیرون:
۱- از چشم انداختن آموزش و پرورش
۲- بی ارزش کردن آموزش و پرورش
۳- از بین برنده اعتماد به آموزش و پرورش
د) دانشگاه گرایی در آموزش و پرورش:
۱- خطاب کردن دانشگاه گرایی در محیط دانش آموزی
۲- نیاز نداشتن به تحصیلات دانشگاهی بسیاری از کارها
۳- تاکید بر گسترش هنرستان ها و فنی حرفه ای ها
۴- ثروت ملی بودن سرمایه گذاری بر فنی و حرفه ای ها
ه) تحول در آموزش و پرورش:
۱- ضرورت توجه جدی وزیر و مسئولان آموزش و پرورش به سند تحول
۲- لزوم کار عمقی برای ایجاد تحول
و) نپذیرفتن سند ۲۰۳۰ سازمان ملل و یونسکو:
۱- غلط بودن اصل کار تعیین تکلیف برای ملت های گوناگون
۲- مجاز نبودن امضا و اجرای این سند در کشور
۳- سند های بالادستی داشتن جمهوری اسلامی ایران
۴- مبنا بودن اسلام و قرآن در ایران

انتخابات

- الف) حیاتی بودن انتخابات برای کشور
- ب) مهم بودن نفس انتخابات
- ج) انتخابات تضمین کننده جمهوری
- د) گره گشا بودن حضور مردم در انتخابات:
 - ۱- حفظ اقتدار کشور
 - ۲- حفظ اُبهت کشور
 - ۳- حفظ مصونیت کشور
- ه) ترسیدن دشمنان از هیبت جمهوری اسلامی با در صحنه بودن مردم
- و) مراقبت درباره دلسرد کردن مردم از حضور در انتخابات
- ز) ضرورت حضور همگانی در انتخابات
- ح) طبیعی بودن تفاوت دیدگاه و سلیق سیاسی

معاونت سیاسی
صد اویتما

الف) معلم، فعلیت بخش نیروی انسانی

ب) معلم، نقد کننده نیروی انسانی

ج) معلمی، یک شان و مقام نه صرفاً
کارمند یک اداره

د) سرمایه گذاری بودن هزینه برای
معلم

- ۱- دانشگاه فرهنگیان، تولیدکننده معلم
- ۲- بیشتر بودن اهمیت دانشگاه فرهنگیان از دیگر دانشگاه ها
- ۳- لزوم افزایش ظرفیت های پذیرش دانشگاه فرهنگیان

ه) لزوم جدی گرفتن دانشگاه فرهنگیان:

- ۱- منبع الطبعی
- ۲- صبر
- ۳- تدین
- ۴- متانت

و) معلم پرورنده اخلاق:

ز) جفا بودن ابزار سیاسی قراردادن جامعه
معلمان



الف) آموزش و پرورش، زیرساخت اصلی علم و تحقیق در کشور:

۱- علم و تحقیق، نیاز اساسی بلندمدت و میانمدت و کوتاهمدت کشور

۲- آسان شدن تولید در پی فراهم بودن زیرساخت

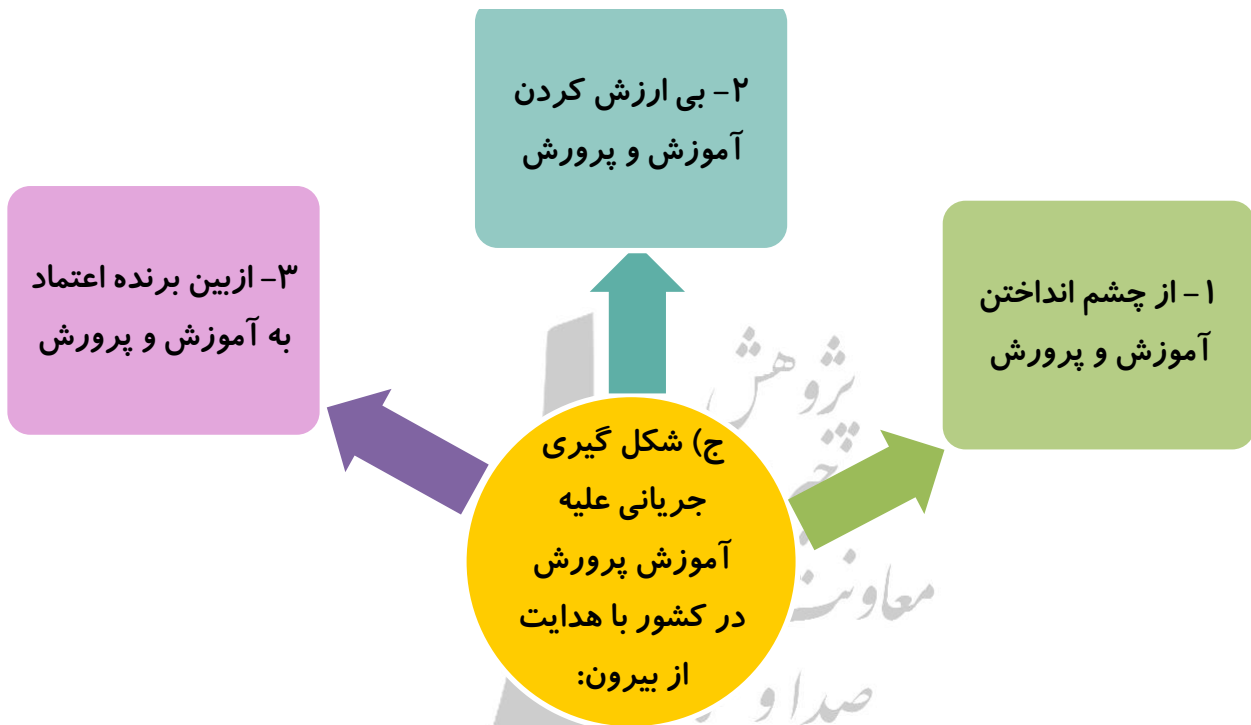
۳- لزوم برنامه ریزی و حرکت درست برای تقویت زیرساخت علم و تحقیق

۴- کم توجهی به آموزش و پرورش، لطمه زننده به زیرساخت علم و تحقیق:
اذا فسد العالم، فسد العالم

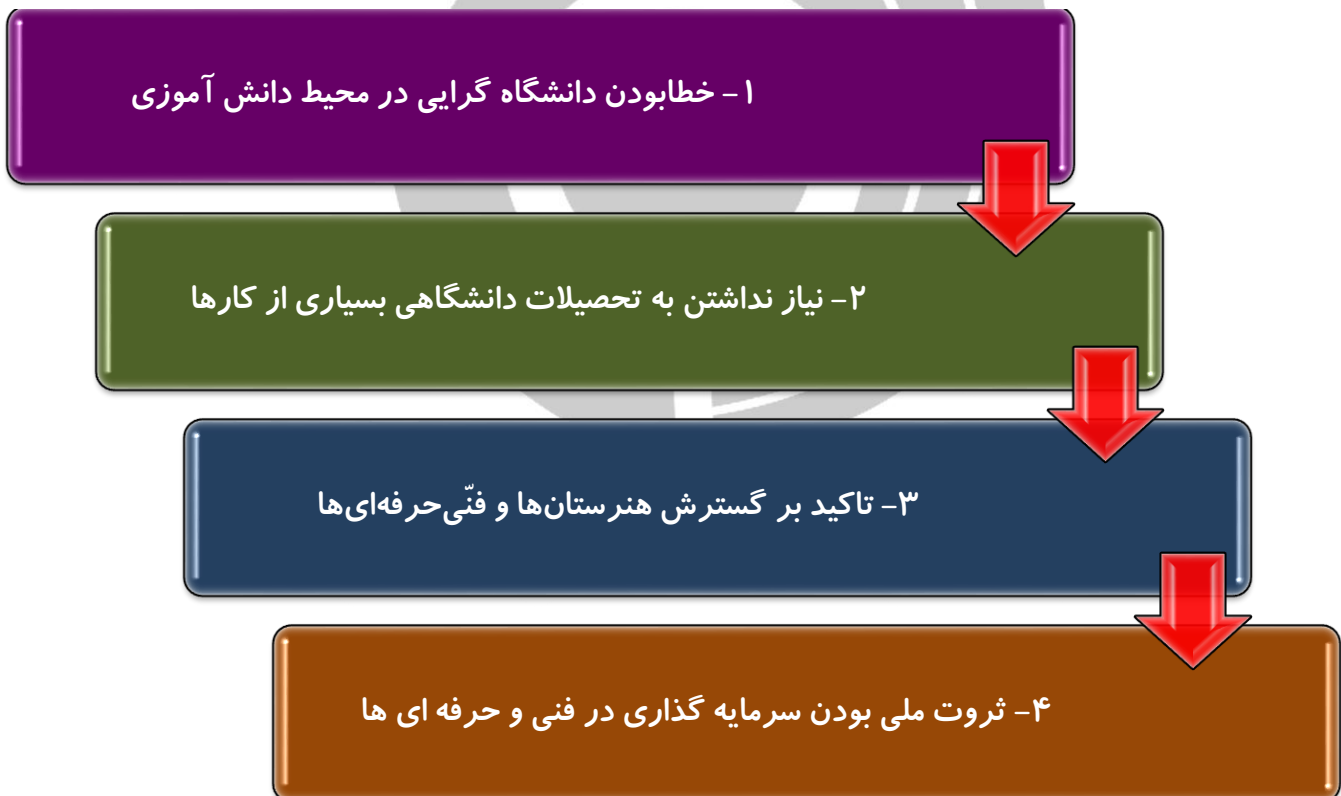
ب) تربیت نسل آینده، وظیفه آموزش و پرورش:



ج) شکل گیری جریانی علیه آموزش پرورش در کشور با هدایت از بیرون:



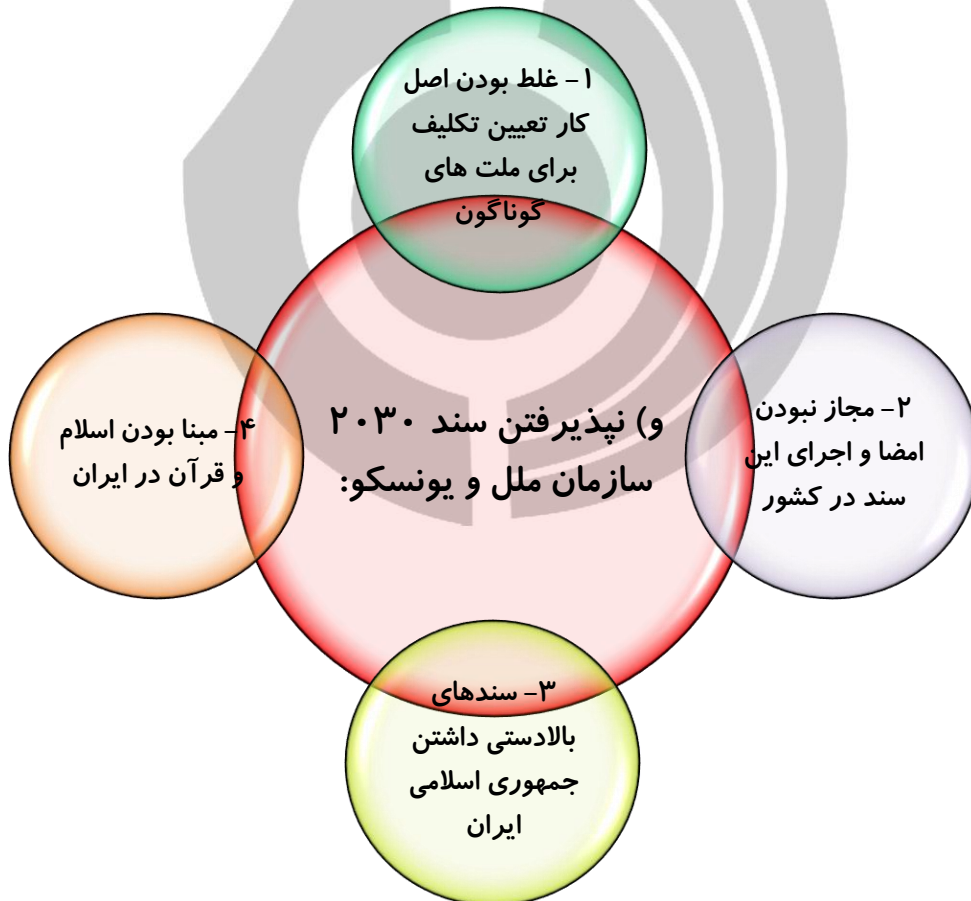
د) دانشگاه گرایی در آموزش و پرورش:



ه) تحول در آموزش و پرورش:



و) نپذیرفتن سند ۲۰۳۰ سازمان ملل و یونسکو:



انتخابات

الف) حیاتی بودن انتخابات برای کشور

ب) مهم بودن نفس انتخابات

ج) انتخابات تضمین کننده جمهوری

د) گره گشا بودن حضور مردم در انتخابات:

ه) ترسیدن دشمنان از هیبت جمهوری اسلامی با در صحنه بودن مردم

و) مراقبت درباره دلسرد کردن مردم از حضور در انتخابات

ز) ضرورت حضور همگانی در انتخابات

ح) طبیعی بودن تفاوت دیدگاه و سلیق سیاسی

۱- حفظ اقتدار کشور

۲- حفظ اُبّهت کشور

۳- حفظ مصونیت کشور

ج - نمودار پرسش‌هایی که در بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان پاسخ داده شد



د - نمودار بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان از زاویه آینده نگری



- ۱- لذت رهبر انقلاب از این حرف وزیر که معلّمی، صرفاً فقط کارمندی یک اداره نیست، [بلکه] یک شأن، جایگاه و یک مقام است.
- ۲- سخنان چندین بارها رهبر انقلاب درباره اینکه هزینه کردن برای معلّم، سرمایه‌گذاری است.
- ۳- تاکید رهبر معظم انقلاب به مسئولان درباره جدی گرفتن دانشگاه فرهنگیان و سرمایه گذاری برای آن
- ۴- آگاهی رهبر انقلاب از بازنشستگی تعداد زیادی معلّم در آینده نه چندان دور و نیاز به معلّم
- ۵- خطاب رهبر انقلاب به مراکز اصلی دست اندرکار درباره ضابطه گذاشتن برای جذب معلّم
- ۶- اعتراض قدیمی رهبر انقلاب به کسانی که جامعه معلّمین را در زمینه‌های سیاسی مثل یک ابزار می خواهند به کار ببرند.
- ۷- ماجرای خیاط فهیم و دانایی که در قم لباس طلبگی درست میکرد
- ۸- رسیدن گزارش هایی به رهبر انقلاب که نشان می دهد جریانی در کشور سعی می کند آموزش و پرورش را از چشم ها بیندازد و اعتماد به آن را از بین ببرد.
- ۹- تاکید مکرر رهبر انقلاب بر ترویج هنرستان ها و فنی و حرفه ای ها
- ۱۰- تاکید جدی رهبر معظم انقلاب به مسئولین درباره جدی گرفتن سند تحول
- ۱۱- اظهار نظر متخصصان و کارشناسان درباره کفالت و کفایت کردن سند تحول
- ۱۲- گله کردن رهبر معظم انقلاب به شورای عالی انقلاب فرهنگی به علت مراقبت نکردن در خصوص اجرای سند ۲۰۳۰ یونسکو
- ۱۳- گله کردن رهبر معظم انقلاب از تحریف سخنانش درباره هیبت ایجاد کردن حضور مردم برای نظام
- ۱۴- یادآوری دهه ۷۰ که یکی از دولت های اروپایی، رئیس جمهور ایران را متهم و به دادگاه احضار کرد

فصل دوم:

پژوهش
تحری
معاونت ساسی
صدا و سیما

مهم‌ترین موضوعات و محورهای

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار معلمان و
فرهنگیان

الف - مفاهیم کانونی در بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان

ردیف	مفاهیم کانونی و نکات کلیدی	توضیح مفهوم به استناد عین بیانات
۱	معلمی، شان و نه فقط شغل	« من حقیقتاً از این حرف لذت بردم که معلّمی، صرفاً فقط کارمندی یک اداره نیست، [بلکه] معلّمی یک شأن، یک جایگاه و یک مقام است؛ این را خود معلّم در درجه‌ی اوّل بداند. ما اگر کرامت خودمان را در هر بخشی بدانیم، تن به پستی و سُستی و پلیدی نخواهیم داد؛ این در درجه‌ی اوّل؛ و بعد، جامعه قدر معلّم را بداند و احترام و تکریم برای معلّم قائل بشود؛ و سپس مسئولان، این اهمّیت را درک کنند».
۲	دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه معلم پرور	«لذا من الان اینجا تأکید میکنم، دانشگاه فرهنگیان را مسئولین جدّی بگیرند؛ دانشگاه فرهنگیان را -که تولیدکننده‌ی معلّم است- جدّی بگیرند؛ هر چه میتوانند برای این سرمایه‌گذاری کنند؛ به یک لحاظ، اهمّیت این دانشگاه از همه‌ی دانشگاه‌های دیگر بیشتر است».
۴	معلم، پرورنده اخلاق	«در زمینه‌ی مسائل معنوی یا در زمینه‌ی خدانشناسی یک کلمه بر زبانش جاری میشود که گاهی آن یک کلمه، بیش از یک کتاب در ذهن دانش‌آموز اثر میگذارد و باقی میماند؛ با اخلاق خود، با منش خود؛ معلّم دارای اخلاق، پرورنده‌ی اخلاق در دانش‌آموز است. معلّم منبع الطّبع، معلّم صبور، معلّم متدبّن، معلّم متین، این خصوصیات و خصلتها را با رفتار خود به دانش‌آموز خود منتقل میکند».
۵	ابزار سیاسی قرارداد معلم	«معلّم بنابراین بسیار مهم است. از اینجا است که بنده همیشه از سالها پیش اعتراض داشتم به کسانی که جامعه‌ی معلّمین را در زمینه‌های سیاسی مثل یک ابزار میخواهند به کار ببرند؛ این جفا است. این مال امروز نیست؛ مال سالهای دهه‌ی ۶۰ است؛ بعضی از این کارها میکردند. شأن معلّم اینها است؛ نمیشود این الماس قیمتی را وسیله‌ی یک قُل دو قُل قرار داد».
۶	زیرساخت اصلی علم و تحقیق	«اما در مورد آموزش و پرورش؛ آموزش و پرورش زیرساخت اصلی علم و تحقیق در کشور است. زیرساخت‌های کشور خیلی مهم است؛ زیرساخت‌های مهندسی کشور، زیرساخت‌های علمی کشور، زیرساخت‌های ادبی و فرهنگی کشور، اینها خیلی مهم است».
۷	تربیت نسل آینده	«وظیفه‌ی آموزش و پرورش، تربیت یک نسل است؛ وقتی در نگاه میان‌مدت نگاه میکنیم، یک نسل را برای یک دوره‌ی آینده میخواهد تربیت کند. چه جوری تربیت خواهد کرد؟ چه تربیت خواهد کرد؟ آموزش و پرورش [باید] بتواند نسلی تربیت بکند باایمان؛ اصلش ایمان است».
۸	جریان نفوذی در آموزش و پرورش	«گزارشهایی که به من میرسد نشان میدهد که یک جریانی -این را من «جریان» احساس میکنم- در کشور سعی میکند آموزش و پرورش را از چشمها بیندازد؛ ارزش آموزش و پرورش را و اعتماد به آموزش و پرورش را در دلها از بین ببرد؛ مقاصدی دارند. این [جریان] از بیرون هم هدایت میشود».
۹	بیماری دانشگاه گرایی	یکی از اشکالات آموزش و پرورش ما، بیماری دانشگاه‌گرایی است. در سطح محیط دانش‌آموزی ما دانشگاه‌گرایی وجود دارد؛ یعنی اگر کسی بخواند درس بخواند و به دانشگاه نرسد، کآنه درس نخوانده؛ این خطا است، این غلط است، لزومی ندارد. ما این قدر در کشور نیازهای فوری، فوتی، لازم و مهم داریم که هیچ احتیاجی به تحصیلات دانشگاهی ندارد

<p>«یک مسئله‌ی مهم دیگر، این مسئله‌ی سند تحول است. خوب، دوستان و مسئولین مجرب و باسابقه نشستند، زحمت کشیدند، سند تحول را درست کردند؛ خیلی خوب، ابلاغ هم شد. شروع شد که عملیاتی بشود ولی تا حالا پنج شش سال هم گذشته، [اما] نشده؛ چرا؟ تا کی باید نشست تا این نظام‌نامه‌هایی که گفته میشود در ذیل سند تحول باید تحقق پیدا کند، تنظیم بشود؟ این کار باید زود انجام بگیرد».</p>	<p>۱۰</p>	<p>سند تحول</p>
<p>«یک مسئله‌ی دیگر هم من اینجا عرض بکنم: این سند ۲۰۳۰ سازمان ملل و یونسکو و این حرفها، اینها چیزهایی نیست که جمهوری اسلامی بتواند شانه‌اش را زیر بار اینها بدهد و تسلیم اینها بشود. به چه مناسبت یک مجموعه‌ی به اصطلاح بین‌المللی ای - که قطعاً تحت نفوذ قدرتهای بزرگ دنیا است - این حق را داشته باشد که برای کشورهای مختلف، برای ملت‌های گوناگون، با تمدن‌های مختلف، با سوابق تاریخی و فرهنگی گوناگون، تکلیف معین کند که شما باید این جوری عمل کنید؟ اصل کار، غلط است».</p>	<p>۱۱</p>	<p>سند ۲۰۳۰ یونسکو</p>
<p>«آنچه برای اداره‌ی کشور و حفظ کشور و منافع ملت به صورت فوری، فوتی لازم است، حضور مردم است؛ حضور مردم است! حضور مردم است که گره‌گشا است، حضور مردم است که دشمنان را از هیبت جمهوری اسلامی میترساند؛ این واقعیتی است، این را بدانید».</p>	<p>۱۲</p>	<p>حضور فوری و فوتی در صحنه</p>
<p>«جمهوری اسلامی در چشم دشمنانش هیبت دارد؛ این هیبت ناشی از چیست؟ ناشی از امثال حقیر و مانند اینها است؟ ابداً، این ناشی از مردم است، ناشی از این حضور عظیم مردمی است، ناشی از این احساسات و عواطفی است که خودش را در همه‌ی عرصه‌ها و صحنه‌های حضور نشان میدهد».</p>	<p>۱۳</p>	<p>هیبت ناشی از حضور</p>

ب - شاخص‌های محوری بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان

مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>« در مورد معلم، اهمیت او اینجا است که همه‌ی جامعه‌ی تحصیل‌کرده‌ی کشور مدیون قشر معلمانند؛ این چیز خیلی مهمی است. شما هر انسان فرزانه، آگاه، عالم، تحصیل‌کرده و باسواد را که پیدا کنید، مدیون معلم است؛ قشر معلم یک چنین جایگاهی دارد. همه این را قبول دارند که قدرت و قوت و اعتبار و آبروی یک کشور، بیش از همه چیز به نیروی انسانی آن کشور است. درست است؟ این را همه قبول داریم. خب نیروی انسانی را چه کسی درست میکند؟ نیروی انسانی را چه کسی نقد میکند؟ چه کسی فعلیت میبخشد؟ معلم. ببینید، اینها ارزشها و نشانه‌های واقعی ارزش معلم است.</p> <p>چرا این را میگوییم؟ این برای این است که اولاً خود جامعه‌ی معلم، ارج و قرب و قدر این جایگاه را، این شغل را بدانند؛ خیلی مهم است. این حرف بسیار خوبی بود که آقای وزیر گفتند، من حقیقتاً از این حرف لذت بردم که معلمی، صرفاً فقط کارمندی یک اداره نیست، [بلکه] معلمی یک شأن، یک جایگاه و یک مقام است؛ این را خود معلم در درجه‌ی اول بدانند. ما اگر کرامت خودمان را در هر بخشی بدانیم، تن به پستی و سُستی و پلیدی نخواهیم داد؛ این در درجه‌ی اول؛ و بعد، جامعه قدر معلم را بداند و احترام و تکریم برای معلم قائل بشود؛ و سپس مسئولان، این اهمیت را درک کنند. بنده بارها گفته‌ام، آموزش و پرورش و هزینه کردن برای معلم، سرمایه‌گذاری است! برای معلم هزینه کنند. این یکی از وظایف ما -وظایف مسئولین کشور و وظایف دولت- است.</p> <p>یک نکته‌ی دیگری که در ذیل آن تمجید و تکریم از معلم باید عرض کرد، این [است] که معلمین، خودشان را برای این مسئولیت بزرگ آماده کنند. خب، معلم خود را به چه وسیله آماده کند؟ با وسایلی که دستگاه کشور در اختیار او میگذارد. لذا من الان اینجا تأکید میکنم، دانشگاه فرهنگیان را مسئولین جدی بگیرند؛ دانشگاه فرهنگیان را -که تولیدکننده‌ی معلم است- جدی بگیرند؛ هر چه میتوانند برای این سرمایه‌گذاری کنند؛ به یک لحاظ، اهمیت این دانشگاه از همه‌ی دانشگاه‌های دیگر بیشتر است...</p> <p>...البته اینجا من اطلاع پیدا کردم که در آینده‌ی نه چندان دوری یک تعداد خیلی زیادی معلم -حالا من رقم نگویم- بازنشسته خواهند شد و نیاز به معلم وجود خواهد داشت؛ این از جمله‌ی نیازهای نزدیک آینده‌ی آموزش و پرورش است. خب چه کار کنیم؟ فرض بفرمایید ظرفیت دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجائی هم جواب نمیدهد. چه کار کنیم؟ راه را باز کنیم و همین‌طور بی حساب و کتاب افراد را وارد آموزش پرورش کنیم؟ نه، باید فکر کرد. اولاً در درجه‌ی اول ظرفیتهای این دانشگاه‌های معلم‌پرور را باید تا آنجایی که ممکن است افزایش داد. این از همه مقدم است؛ اگر این هم جواب ندهد باید ضابطه گذاشت؛ مراکز اصلی بنشینند، ضابطه بگذارند برای [جذب] معلم. این یک جمله درباره‌ی معلم.</p> <p>هر معلم یک پرورنده -یعنی معلم اخلاق- هم هست؛ معلم ریاضیات، معلم فیزیک، معلم طبیعی، در عین حال معلم اخلاق هم هست. گاهی یک معلم سر کلاس، فرض بفرمایید در وسط درس هندسه یا درس شیمی، در زمینه‌ی مسائل معنوی یا در زمینه‌ی خداشناسی یک کلمه بر زبانش جاری میشود که گاهی آن یک کلمه، بیش از یک کتاب در ذهن دانش‌آموز اثر میگذارد و باقی میماند؛ با اخلاق خود، با منش خود؛ معلم دارای اخلاق، پرورنده‌ی اخلاق در دانش‌آموز است. معلم منبع الطبع، معلم صبور، معلم متدین، معلم متین، این خصوصیات و خصلتها را با رفتار خود به دانش‌آموز خود منتقل میکند ولو یک کلمه هم در این</p>	<p>الف) معلم، فعلیت بخش نیروی انسانی</p> <p>ب) معلم، نقد کننده نیروی انسانی</p> <p>ج) معلمی، یک شان و مقام نه صرفاً کارمند یک اداره</p> <p>د) سرمایه گذاری بودن هزینه برای معلم</p> <p>ه) لزوم جدی گرفتن دانشگاه فرهنگیان:</p> <p>۱- دانشگاه فرهنگیان، تولیدکننده معلم</p> <p>۲- اهمیت بیشتر دانشگاه فرهنگیان از دیگر دانشگاه ها</p> <p>۳- لزوم افزایش ظرفیت های پذیرش دانشگاه فرهنگیان</p> <p>و) معلم پرورنده اخلاق:</p> <p>۱- منبع الطبعی</p> <p>۲- صبر</p> <p>۳- تدین</p> <p>۴- متانت</p> <p>ز) جفابودن ابزار سیاسی قراردادن جامعه معلمان</p>	معلم	۱

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			<p>زمینه‌ها حرف نزنند؛ این نقش معلّم است. معلّم بنابراین بسیار مهم است. از اینجا است که بنده همیشه از سالها پیش اعتراض داشتم به کسانی که جامعه‌ی معلّمین را در زمینه‌های سیاسی مثل یک ابزار می‌خواهند به کار ببرند؛ این جفا است. این مال امروز نیست؛ مال سالهای دهه‌ی ۶۰ [است]؛ بعضی از این کارها میکردند. شأن معلّم اینها است؛ نمیشود این الماس قیمتی را وسیله‌ی یک قُلّ دو قُلّ قرار داد و با آن بازی کرد. معلّم شأنی دارد، جایگاهی دارد؛ این جایگاه معلّم است.»</p>
۲	آموزش و پرورش	<p>الف) آموزش و پرورش، زیرساخت اصلی علم و تحقیق در کشور:</p> <p>۱- علم و تحقیق، نیاز اساسی بلندمدت و میان‌مدت و کوتاه‌مدت کشور</p> <p>۲- آسان شدن تولید در پی فراهم بودن زیرساخت</p> <p>۳- لزوم برنامه ریزی و حرکت درست برای تقویت زیرساخت علم و تحقیق</p> <p>۴- کم توجهی به آموزش و پرورش، لطمه زننده به زیرساخت علم و تحقیق:</p> <p>- اذا فسَدَ العالم، فسَدَ العالم</p> <p>ب) تربیت نسل آینده، وظیفه آموزش و پرورش:</p> <p>۱- باایمان</p> <p>۲- باوفا</p> <p>۳- مسئولیت پذیر</p> <p>۴- دارای اعتماد به نفس</p> <p>۵- باابتکار</p> <p>۶- راستگو</p> <p>۷- شجاع</p> <p>۸- باحیا</p> <p>۹- اهل فکر و اندیشه</p> <p>۱۰- عاشق کشور و نظام</p> <p>۱۱- عاشق مردم</p> <p>۱۲- محکم و قوی و عازم و جازم</p> <p>۱۳- پیشرو</p> <p>۱۴- فعال</p> <p>ج) شکل گیری جریانی علیه آموزش پرورش در کشور با هدایت از بیرون:</p> <p>۱- از چشم انداختن آموزش و</p>	<p>«اما در مورد آموزش و پرورش؛ آموزش و پرورش زیرساخت اصلی علم و تحقیق در کشور است. زیرساخت‌های کشور خیلی مهم است؛ زیرساخت‌های مهندسی کشور، زیرساخت‌های علمی کشور، زیرساخت‌های ادبی و فرهنگی کشور، اینها خیلی مهم است. وقتی در یک کشوری، زیرساخت‌ها در یک بخش فراهم بود، تولید در آن بخش آسان خواهد شد. زیرساخت علم و تحقیق، آموزش و پرورش است. اگر آموزش و پرورش با سیاستهای خود، با رفتارهای خود، با برنامه‌ریزی‌های درست خود، حرکت درستی را دنبال بکند، این زیرساخت روزبه‌روز بهتر و قوی‌تر خواهد شد؛ در زمینه‌ی علم و تحقیق که نیاز اصلی و اساسی و بلندمدت و میان‌مدت و کوتاه‌مدت ما است، کشور غنی خواهد شد؛ اهمیت آموزش و پرورش این است. اگر ما آموزش و پرورش را به حال خودش رها کنیم، دقت لازم را نکنیم و در آموزش و پرورش مشکل درست بشود، این زیرساخت لطمه خواهد خورد؛ آن وقت ضررش دیگر غیر قابل محاسبه است. یک وقتی در زمان طلبگی ما در قم، یک خیاط فهیم و دانایی در قم داشتیم که لباس طلبگی درست میکرد و قبا درست میکرد. برای یکی از علمای معروف آن روز قم، قبا درست کرده بود؛ آن عالم، ظاهراً یک ایرادی گرفته بود به این قبا؛ ایشان گفته بود که «اقا! اذا فسَدَ الخیاط، فسَدَ القبا؛ اما اذا فسَدَ العالم، فسَدَ العالم»؛ من اگر کارم را درست انجام ندهم، قبای شما یک خُرده اینجایش مثلاً اشکال پیدا میکند اما شما اگر خدای نکرده اشکالی پیدا کردید، «فسَدَ العالم» میشود. ببینید، حالا خدای نکرده «اذا فسَدَ آموزش و پرورش» شما ببینید چه اتفاقی در کشور می‌افتد.</p> <p>وظیفه‌ی آموزش و پرورش، تربیت یک نسل است؛ وقتی در نگاه میان‌مدت نگاه میکنیم، یک نسل را برای یک دوره‌ی آینده می‌خواهد تربیت کند. چه جوری تربیت خواهد کرد؟ چه تربیت خواهد کرد؟ آموزش و پرورش [باید] بتواند نسلی تربیت بکند باایمان؛ اسلش ایمان است. بچه‌های لائالی و هُرّه‌ی مذهب که به هیچ چیز پابند نیستند، اینها در آینده‌ی کشور، نه برای خودشان مفیدند، نه برای کشور مفیدند، نه برای جامعه مفیدند؛ اول ایمان است. نسل باایمان، باوفا، مسئولیت‌پذیر، دارای اعتماد به نفس، دارای ابتکار، راست‌گو، شجاع، نسل باحیا، با فکر، اهل فکر کردن، اهل به کار گرفتن اندیشه، عاشق کشور، عاشق نظام، عاشق مردم، [نسلی که] کشورش را دوست بدارد، مصالح کشورش را مصالح شخص خودش بداند، از آنها دفاع کند؛ یک چنین نسلی باید پرورش پیدا کند؛ یک نسل محکم، قوی، عازم، جازم، با ابتکار، پیشرو، فعال؛ این جور نسلی [لازم است]؛ این کار آموزش و پرورش [است]؛ ببینید چه کار با اهمیتی است! می‌گویم کار آموزش و پرورش، نمی‌گویم کار معلّم. با اینکه وسیله معلّم است، اما معلّم، تنها عامل ایجاد یک چنین نسلی نیست؛ آموزش و پرورش است که فضا را فراهم میکند برای معلّم، برای دانش‌آموز، برای اولیا، برای طرّاحان، برای نویسندگان کتابهای درسی؛ اینها همه مؤثر است؛ آموزش و پرورش است که این کارها را انجام میدهد.</p> <p>این را توجه داشته باشید، گزارشهایی که به من میرسد نشان میدهد که یک جریانی - این را من «جریان» احساس میکنم - در کشور سعی میکند آموزش و پرورش را از چشمها بیندازد؛ ارزش آموزش و پرورش را و اعتماد به آموزش و پرورش را در دلها از بین ببرد؛ مقاصدی دارند. این [جریان] از بیرون هم هدایت میشود. حالا بعضی‌ها لجشان می‌گیرد؛ تا ما می‌گویم دستهای خارجی، می‌گویند شما مدام به خارجی‌ها حمله میکنید! نه، ما ضعفهای خودمان را</p>

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
		<p>پرورش</p> <p>۲- بی ارزش کردن آموزش و پرورش</p> <p>۳- از بین برنده اعتماد به آموزش و پرورش</p> <p>د) دانشگاه گرایی در آموزش و پرورش:</p> <p>۱- خطاب‌بودن دانشگاه گرایی در محیط دانش آموزی</p> <p>۲- نیاز نداشتن به تحصیلات دانشگاهی در بسیاری از کارها</p> <p>۳- تاکید بر گسترش هنرستان‌ها و فنی حرفه‌ای‌ها</p> <p>۴- ثروت ملی بودن سرمایه گذاری بر فنی و حرفه ای ها</p> <p>ه) تحول در آموزش و پرورش:</p> <p>۱- ضرورت توجه جدی وزیر و مسئولان آموزش و پرورش به سند تحول</p> <p>۲- لزوم کار عمقی برای ایجاد تحول</p> <p>و) نپذیرفتن سند ۲۰۳۰ سازمان ملل و یونسکو:</p> <p>۱- غلط بودن اصل کار تعیین تکلیف برای ملت های گوناگون</p> <p>۲- مجاز نبودن امضا و اجرای این سند در کشور</p> <p>۳- سندهای بالادستی داشتن جمهوری اسلامی ایران</p> <p>۴- مبنا بودن اسلام و قرآن در ایران</p>	<p>می‌بینیم؛ اگر ما قوی باشیم، آن خارجی هیچ غلطی نمیتواند بکند، اما او از همین ضعفهای ما است که دارد استفاده میکند، برنامه‌ریزی میکند، نقشه میکشد، نفوذ میکند؛ راه‌های مستقیم را کج میکند، معوج میکند.</p> <p>یکی از اشکالات آموزش و پرورش ما، بیماری دانشگاه‌گرایی است. در سطح محیط دانش‌آموزی ما دانشگاه‌گرایی وجود دارد؛ یعنی اگر کسی بخواهد درس بخواند و به دانشگاه نرسد، گانه درس نخوانده؛ این خطا است، این غلط است، لزومی ندارد. ما این‌قدر در کشور نیازهای فوری، فوری، لازم و مهم داریم که هیچ احتیاجی به تحصیلات دانشگاهی ندارد؛ احتیاج به مدرک دکتری و ارشد و غیرذلک ندارد؛ این‌که بنده سالهای متمادی -چندین بار تا حالا- روی این هنرستان‌ها و فنی حرفه‌ای‌ها تکیه میکنم، به‌خاطر این است. این بخشهای مربوط به فنی حرفه‌ای را باید تقویت کرد، باید افزایش داد. خیلی‌ها هستند که در تحصیلات مربوط به هنرستان کار کرده‌اند، در فنی حرفه‌ای پیش رفته‌اند، یاد گرفته‌اند، بلد شده‌اند که چه کار کنند، آمده‌اند، مشغول کار کردند؛ هم زندگی مادّی‌شان تأمین است، هم از لحاظ روحی شادابند، هم دارند به جامعه خدمت میکنند؛ این بهتر است یا آن که زحمت کشیده و مدرک دکتری هم گرفته، [اما] بی‌کار نشسته آنجا، کار پیدا نمیکند، یا اگر کاری هم پیدا بکند، یک کار سطحی کم‌ارزش در فلان دستگاه یا در فلان اداره که [بگویند] برو به‌عنوان مثلاً مشاور یا مانند اینها آنجا بنشین! چه ارزشی دارد این‌همه درس خواندن و این‌همه زحمت کشیدن؟ دانشگاه‌گرایی خطا است. بله، ما نیاز به علم داریم، نیاز به تحقیق داریم؛ هرچه در زمینه‌ی علم پیش برویم، زیاد نیست؛ این را من سالها است دارم میگویم و بحمدالله پیشرفت هم کرده‌ایم، اما معنایش این نیست که هرکسی پایش را میگذارد در دبستان یا دبیرستان، هدف خودش را دانشگاه بداند؛ نه، هزاران کار وجود دارد که اینها احتیاج به دانشگاه ندارد، احتیاج به آن هزینه‌ی سنگین ندارد، آن شور و شوق و استعداد لازم [دانشگاهی] را نیاز ندارد. اینها را ما از یاد نبریم؛ اینها ثروتهای ما است، ثروت ما است. این جوانی که میتواند در فنی حرفه‌ای کار بکند و به یک جایی برسد -در هر زمینه‌ای: در زمینه‌های هنر، در زمینه‌های صنعت، در زمینه‌های فنی و غیره- این ثروت ملی است، این مال کشور است؛ باید از او استفاده بشود.</p> <p>یک مسئله‌ی مهم دیگر، این مسئله‌ی سند تحول است. خب، دوستان و مسئولین مجرب و باسابقه نشستند، زحمت کشیدند، سند تحول را درست کردند؛ خیلی خوب، ابلاغ هم شد. شروع شد که عملیاتی بشود ولی تا حالا پنج شش سال هم گذشته، [اما] نشده؛ چرا؟ تا کی باید نشست تا این نظام‌نامه‌هایی که گفته میشود در ذیل سند تحول باید تحقق پیدا کند، تنظیم بشود؟ این کار باید زود انجام بگیرد. معلوم میشود شور و شوق لازم نیست، انگیزه‌ی لازم نیست، بنده جداً از وزیر محترم و مسئولین محترم میخواهم که مسئله‌ی تحول را جدی بگیرند. آموزش و پرورش ما نیازمند تحول است. این سند تحول نشان‌دهنده‌ی این است که ما نیاز داریم به تحول. تحول هم صرف عوض کردن ظواهر کار نیست، یعنی یک کار عمقی باید انجام بگیرد. آن‌طور که متخصصین این‌کار میگویند -چون بنده که تخصص این کار را ندارم- این سند تحول علی‌الظاهر میتواند؛ کفالت میکند و کفایت میکند این را؛ باید دنبال کنند.</p> <p>یک مسئله‌ی دیگر هم من اینجا عرض بکنم: این سند ۲۰۳۰ سازمان ملل و یونسکو و این حرفها، اینها چیزهایی نیست که جمهوری اسلامی بتواند شانه‌اش را زیر بار اینها بدهد و تسلیم اینها بشود. به چه مناسبت یک مجموعه‌ی به‌اصطلاح بین‌المللی ای -که قطعاً تحت نفوذ قدرتهای بزرگ دنیا است- این حق را داشته باشد که برای کشورهای مختلف، برای ملت‌های گوناگون، با تمدنهای مختلف، با سوابق تاریخی و فرهنگی گوناگون، تکلیف معین کند که شما باید این‌جوری عمل کنید؟ اصل کار، غلط است. اگر چنانچه با اصل کار شما نمیتوانید مخالفت بکنید، حداقلش این است که بایستید بگویید جمهوری اسلامی خودش ممشی ُ دارد،</p>

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			<p>خط‌وربط دارد، ما سندهای بالادستی داریم، ما میدانیم باید در زمینه‌های آموزش، پرورش، اخلاق، سبک زندگی چه کار کنیم؛ احتیاج به این سند وجود ندارد. اینکه ما برویم سند را امضا کنیم و بعد هم بیایم شروع کنیم بی‌سروصدا اجرائی کردن، نخیر، این اصلاً مطلقاً مجاز نیست؛ ما اعلام هم کرده‌ایم به دستگاه‌های مسئول. بنده از شورای عالی انقلاب فرهنگی هم گله‌مند هستیم؛ آنها باید مراقبت میکردند، نباید اجازه میدادند این کار تا اینجا پیش بیاید که ناچار بشویم ما جلوی آن را بگیریم و ما وارد قضیه بشویم. اینجا جمهوری اسلامی است؛ اینجا، مینا اسلام است، مینا قرآن است؛ اینجا جایی نیست که سبک زندگی معیوب و پراکنگر فاسد غربی بتواند در اینجا این جور اعمال نفوذ کند. البته متأسفانه اعمال نفوذ دارند میکنند و از طرق مختلف وارد میشوند اما [اینکه] این جور به‌طور رسمی سند به ما بدهند که «تا پانزده سال دیگر باید شما این جوری بکنید، این جوری بکنید»، ما هم بگوییم بله، معنی ندارد این کار».</p>
۳	انتخابات	<p>الف) حیاتی بودن انتخابات برای کشور ب) مهم بودن نفس انتخابات ج) انتخابات تضمین کننده جمهوری د) گره گشا بودن حضور مردم در انتخابات: ۱- حفظ اقتدار کشور ۲- حفظ اُبهت کشور ۳- حفظ مصونیت کشور ه) ترسیدن دشمنان از هیبت جمهوری اسلامی با در صحنه بودن مردم و) مراقبت درباره دلسرد کردن مردم از حضور در انتخابات ز) ضرورت حضور همگانی در انتخابات ح) طبیعی بودن تفاوت دیدگاه و سلیق سیاسی</p>	<p>- «برادران و خواهران عزیز و همه‌ی ملت ایران که خواهید شنید! بدانید که انتخابات حیاتی است؛ نه این انتخاباتِ بالخصوص، [بلکه] همه‌ی انتخابات‌های کشور، بخصوص انتخابات ریاست جمهوری که از همه مهم‌تر است، در همه‌ی دوره‌ها، واقعاً برای کشور حیاتی است؛ هم به لحاظ نفس انتخابات مهم است - که این یک مقوله‌ی مهمی است؛ خب جمهوری اسلامی است؛ جمهوری، ما جمهوری هستیم؛ مناصب ما و مقامات ما برآمده‌ی از جمهور ملت است، از مردم است؛ این را بایستی ما با کمال دقت حفظ کنیم، این خیلی باارزش است؛ اگر این [انتخابات] در نظام جمهوری اسلامی وجود نمیداشت، امروز از نظامی که با آن انقلاب به وجود آمد، خبری باقی نبود، این خیلی مهم است؛ از دل اسلام این معنا درمی‌آید و استفاده میشود؛ این جور نیست که ما جمهوری را گرفته باشیم و منضم به اسلام کرده باشیم؛ نه، خود اسلام به ما این جور یاد میدهد؛ حالا این یک مقوله‌ای است - لکن علاوه‌ی بر این، آنچه برای اداره‌ی کشور و حفظ کشور و منافع ملت به صورت فوری، فوتی لازم است، حضور مردم است؛ حضور مردم است! حضور مردم است که گره‌گشا است، حضور مردم است که دشمنان را از هیبت جمهوری اسلامی می‌ترساند؛ این واقعیتی است، این را بدانید.</p> <p>جمهوری اسلامی در چشم دشمنانش هیبت دارد؛ این هیبت ناشی از چیست؟ ناشی از امثال حقیر و مانند اینها است؟ ابداً، این ناشی از مردم است، ناشی از این حضور عظیم مردمی است، ناشی از این احساسات و عواطفی است که خودش را در همه‌ی عرصه‌ها و صحنه‌های حضور نشان میدهد؛ بنده این را می‌گویم؛ نیابند حرفی را که بنده بصراحت بیان کرده‌ام، تعبیر کنند و تأویل کنند و بگویند «نخیر؛ مراد فلانی این است که این حضور مردم - فرض کنید - یک دولتی را سر کار می‌آورد که آن دولت [هیبت ایجاد میکند]»، نه آقا! دولتها تأثیری ندارند. [مگر] یادتان رفته که در دهه‌ی ۷۰، یکی از دولتهای اروپایی، رئیس‌جمهور ما را متهم کرد و به دادگاه احضار کرد؛ رئیس‌جمهور ایران را! با اینکه اتفاقاً آن رئیس‌جمهور با آن دولت، روابطشان روابط خیلی نزدیکی بود؛ باهم پیام مبادله میکردند، نماینده میفرستادند، نامه میدادند، گاهی شاید تلفنی صحبت میکردند - حالا این تلفنی‌اش یادم نیست اما مرتب نامه و نامه‌نگاری - و او اظهار اُدوستی میکرد؛ همان دولت، رئیس‌جمهور ما را با وجود اظهار دوستی و ارادت و علاقه، در دادگاه‌های کشورش به‌صورت متهم احضار کرد! توی دهنش زدیم که عقب نشست؛ اگر توی دهنش نمیخورد، پیش میرفتند. دشمن، دشمن است؛ این دولت و آن دولت ندارد. اگر بتواند دشمنی کند، اگر بتواند زهرش را بریزد، میریزد؛ ملاحظه‌ی هیچ‌کس را هم نمیکند. ملاحظه‌ی لفاظی و زبان‌بازی و موضع‌گیری</p>

مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>سیاسی و مانند اینها را هم اصلاً نمیکند؛ دشمن است دیگر. آن چیزی که مانع میشود دشمن اعمال دشمنی کند، ترس از حضور مردم است. ببینید که اگر چنانچه دشمنی بکند، نتیجه بعکس خواهد شد؛ برای خاطر اینکه یک کشور هشتاد میلیونی در مقابلش می‌ایستد. این شوخی است؟ هشتاد میلیون جمعیتیم ما؛ کشور با عظمت، با مردم آگاه و هوشمند، با نیروی انسانی قوی، با این همه جوان؛ این است که در چشم دشمن اُبّهت ایجاد میکند، عظمت ایجاد میکند برای نظام جمهوری اسلامی. این را توجّه داشته باشید.</p> <p>اگر میخواهید این احساس، این عظمت، این مصونیت باقی بماند برای ما، باید در انتخابات شرکت کنید؛ اگر میخواهید نظام جمهوری اسلامی، اقتدار خودش را در چشم جهانیان - چه دشمن، چه دوست - حفظ بکند، باید در انتخابات شرکت کنید. حضور در انتخابات، حفظ اقتدار کشور است، حفظ اُبّهت کشور است، حفظ مصونیت کشور است؛ این است. اگر چنانچه در مورد انتخابات کوتاهی بشود، عواملی دست‌اندرکار بشوند که مردم را دلسرد کنند، مأیوس کنند و کوتاهی بشود در انتخابات، به کشور لطمه خواهد خورد، ضربه خواهد خورد؛ هر کسی هم در این لطمه سهیم باشد، پیش خدای متعال مسئول است. باید در انتخابات، همه شرکت کنند. البته سلايق مختلف است، نظرات مختلف است، مذاقهای سیاسی مختلف است؛ شما زید را می‌پسندی، شما عمرو را می‌پسندی؛ شما به زید رأی میدهی، شما به عمرو رأی میدهی؛ اشکالی هم ندارد؛ اینها مهم نیست، مهم این است که همه بیایند، همه باشند، همه نشان بدهند که حاضرند از اسلام، از نظام اسلامی، از جمهوری اسلامی حمایت کنند، دفاع کنند، مصونیت کشورشان را حفظ کنند. و بدانید! اگر چنانچه این همّت، این اراده - به حول و قوه‌ی الهی - در مردم ما، با همین شدّت و اُبّهتی که وجود دارد ادامه پیدا کند، دشمن هرگز هیچ غلطی در مقابل کشور نخواهد توانست بکند».</p>			



ج - پرسش ها و شبهه‌هایی که در بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان پاسخ داده شد

ردیف	عنوان پرسش یا شبهه	محور پاسخ	پاسخ رهبر انقلاب به استناد عین عبارات
۱	اهمیت معلم در چیست؟	همه جامعه تحصیل کرده کشور مدیون قشر معلم اند	«در مورد معلم، اهمیت او اینجا است که همه‌ی جامعه‌ی تحصیل کرده‌ی کشور مدیون قشر معلمانند؛ این چیز خیلی مهمی است. شما هر انسان فرزانه، آگاه، عالم، تحصیل کرده و باسواد را که پیدا کنید، مدیون معلم است؛ قشر معلم یک چنین جایگاهی دارد».
۲	نیروی انسانی را چه کسی درست می‌کند؟	معلم	«خب نیروی انسانی را چه کسی درست میکند؟ نیروی انسانی را چه کسی نقد میکند؟ چه کسی فعلیت میبخشد؟ معلم. ببینید، اینها ارزشها و نشانه‌های واقعی ارزش معلم است».
۳	معلم خود را به چه وسیله آماده کند؟	دانشگاه فرهنگیان را مسئولان جدی بگیرند	«خب، معلم خود را به چه وسیله آماده کند؟ با وسایلی که دستگاه کشور در اختیار او میگذارد. لذا من الان اینجا تأکید میکنم، دانشگاه فرهنگیان را مسئولین جدی بگیرند؛ دانشگاه فرهنگیان را - که تولیدکننده‌ی معلم است - جدی بگیرند؛ هرچه میتوانند برای این سرمایه‌گذاری کنند؛ به یک لحاظ، اهمیت این دانشگاه از همه‌ی دانشگاه‌های دیگر بیشتر است».
۴	با دانشگاه فرهنگیان چکار باید کرد؟	ظرفیت های این دانشگاه‌های معلم پرور را باید تا آنجایی که ممکن است افزایش داد	«خب چه کار کنیم؟ فرض بفرمایید ظرفیت دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجایی هم جواب نمیدهد. چه کار کنیم؟ راه را باز کنیم و همین‌طور بی حساب و کتاب افراد را وارد آموزش پرورش کنیم؟ نه، باید فکر کرد. اولاً در درجه‌ی اول ظرفیتهای این دانشگاه‌های معلم پرور را باید تا آنجایی که ممکن است افزایش داد، این از همه مقدم است؛ اگر این هم جواب ندهد باید ضابطه گذاشت؛ مراکز اصلی بشینند، ضابطه بگذارند برای [جذب] معلم».
۵	استفاده سیاسی کردن از معلم	این جفاست	«از اینجا است که بنده همیشه از سالها پیش اعتراض داشتم به کسانی که جامعه‌ی معلمان را در زمینه‌های سیاسی مثل یک ابزار میخواهند به کار ببرند؛ این جفا است. این مال امروز نیست؛ مال سالهای دهه‌ی ۶۰ [است]؛ بعضی از این کارها میکردند. شأن معلم اینها است؛ نمیشود این الماس قیمتی را وسیله‌ی یک‌قل دوقل قرار داد و با آن بازی کرد».
۶	نتیجه بی توجهی به آموزش و پرورش؟	لطمه خوردن زیرساخت علم و تحقیق	«اهمیت آموزش و پرورش این است. اگر ما آموزش و پرورش را به حال خودش رها کنیم، دقت لازم را نکنیم و در آموزش و پرورش مشکل درست بشود، این زیرساخت لطمه خواهد خورد؛ آن وقت ضررش دیگر غیر قابل محاسبه است».
۷	یکی از مهم ترین اشکالات آموزش و پرورش؟	بیماری دانشگاه گرایی	«یکی از اشکالات آموزش و پرورش ما، بیماری دانشگاه گرایی است. در سطح محیط دانش آموزی ما دانشگاه گرایی وجود دارد؛ یعنی اگر کسی بخواهد درس بخواند و به دانشگاه نرسد، کانه درس نخوانده؛ این خطا است، این غلط است، لزومی ندارد. ما این قدر در کشور نیازهای فوری، فوتی، لازم و مهم داریم که هیچ احتیاجی به تحصیلات دانشگاهی ندارد؛ احتیاج به مدرک دکتری و ارشد و غیرذلک ندارد».
۸	چرا سند تحول تا کنون محقق نشده است؟	معلوم می شود شور و شوق و انگیزه لازم وجود ندارد	«یک مسئله‌ی مهم دیگر، این مسئله‌ی سند تحول است. خوب، دوستان و مسئولین مجرب و باسابقه نشستند، زحمت کشیدند، سند تحول را درست کردند؛ خیلی خوب، ابلاغ هم شد. شروع شد که عملیاتی بشود ولی تا حالا پنج شش سال هم گذشته، [اما] نشده؛ چرا؟ تا کی باید نشست تا این نظام‌نامه‌هایی که گفته میشود در ذیل سند تحول باید تحقق پیدا کند، تنظیم بشود؟ این کار باید زود انجام بگیرد. معلوم میشود شور و شوق لازم نیست،

ردیف	عنوان پرسش یا شبهه	محور پاسخ	پاسخ رهبر انقلاب به استناد عین عبارات
			انگیزه‌ی لازم نیست».
۹	آیا جمهوری اسلامی ایران باید سند ۲۰۳۰ یونسکو را بپذیرد؟	جمهوری اسلامی خودش ممشی و خط و ربط دارد	<p>«یک مسئله‌ی دیگر هم من اینجا عرض بکنم: این سند ۲۰۳۰ سازمان ملل و یونسکو و این حرفها، اینها چیزهایی نیست که جمهوری اسلامی بتواند شانه‌اش را زیر بار اینها بدهد و تسلیم اینها بشود. به چه مناسبت یک مجموعه‌ی به‌اصطلاح بین‌المللی‌ای - که قطعاً تحت نفوذ قدرتهای بزرگ دنیا است - این حق را داشته باشد که برای کشورهای مختلف، برای ملت‌های گوناگون، با تمدن‌های مختلف، با سوابق تاریخی و فرهنگی گوناگون، تکلیف معین کند که شما باید این جوری عمل کنید؟ اصل کار، غلط است. اگر چنانچه با اصل کار شما نمیتوانید مخالفت بکنید، حداقلش این است که بایستید بگویید جمهوری اسلامی خودش ممشی دارد، خط و ربط دارد، ما سندهای بالادستی داریم».</p>
۱۰	هیبت جمهوری اسلامی ناشی از چیست؟	ناشی از مردم است	<p>«جمهوری اسلامی در چشم دشمنانش هیبت دارد؛ این هیبت ناشی از چیست؟ ناشی از امثال حقیر و مانند اینها است؟ ابدأ، این ناشی از مردم است، ناشی از این حضور عظیم مردمی است، ناشی از این احساسات و عواطفی است که خودش را در همه‌ی عرصه‌ها و صحنه‌های حضور نشان میدهد؛ بنده این را می‌گوییم؛ نیابند حرفی را که بنده بصراحت بیان کرده‌ام، تعبیر کنند و تأویل کنند و بگویند «تخیر؛ مراد فلانی این است که این حضور مردم - فرض کنید - یک دولتی را سر کار می‌آورد که آن دولت [هیبت ایجاد میکند]؛ نه آقا! دولتها تأثیری ندارند».</p>

د - بررسی بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان از زاویه آینده نگری

ردیف	موضوع	محور	مستندات
۱	نقش تربیت کنندگی معلم:	<p>فرصت:</p> <p>۱- شکل گیری انسان فرزانه، آگاه، عالم، تحصیل کرده و باسواد</p> <p>۲- افزایش قدرت، قوت، اعتبار و آبروی کشور</p> <p>۳- نقد نیروی انسانی</p> <p>۴- فعلیت بخشی به نیروی انسانی</p>	<p>«در مورد معلم، اهمیت او اینجا است که همه‌ی جامعه‌ی تحصیل کرده‌ی کشور مدیون قشر معلمند؛ این چیز خیلی مهمی است. شما هر انسان فرزانه، آگاه، عالم، تحصیل کرده و باسواد را که پیدا کنید، مدیون معلم است؛ قشر معلم یک چنین جایگاهی دارد. همه این را قبول دارند که قدرت و قوت و اعتبار و آبروی یک کشور، بیش از همه چیز به نیروی انسانی آن کشور است. درست است؟ این را همه قبول داریم. خوب نیروی انسانی را چه کسی درست میکند؟ نیروی انسانی را چه کسی نقد میکند؟ چه کسی فعلیت میبخشد؟ معلم. ببینید، اینها ارزشها و نشانه‌های واقعی ارزش معلم است.»</p>
۲	توجه به دانشگاه فرهنگیان:	<p>فرصت:</p> <p>- تولید و تربیت معلمان مورد نیاز کشور</p>	<p>«یک نکته‌ی دیگری که در ذیل آن تمجید و تکریم از معلم باید عرض کرد، این [است] که معلمین، خودشان را برای این مسئولیت بزرگ آماده کنند. خوب، معلم خود را به چه وسیله آماده کند؟ با وسایلی که دستگاه کشور در اختیار او میگذارد. لذا من الان اینجا تأکید میکنم، دانشگاه فرهنگیان را مسئولین جدی بگیرند؛ دانشگاه فرهنگیان را - که تولیدکننده‌ی معلم است - جدی بگیرند؛ هرچه میتوانند برای این سرمایه‌گذاری کنند؛ به یک لحاظ، اهمیت این دانشگاه از همه‌ی دانشگاه‌های دیگر بیشتر است...»</p>
۳	ابزار سیاسی قرار دادن معلمان:	<p>فرصت:</p> <p>به خطر افتادن شان و جایگاه معلم</p>	<p>«از اینجا است که بنده همیشه از سالها پیش اعتراض داشتم به کسانی که جامعه‌ی معلمین را در زمینه‌های سیاسی مثل یک ابزار میخواهند به کار ببرند؛ این جفا است. این مال امروز نیست؛ مال سالهای دهه‌ی ۶۰ است؛ بعضی از این کارها میکردند. شأن معلم اینها است؛ نمیشود این الماس قیمتی را وسیله‌ی یک نقل دوقل قرار داد و با آن بازی کرد. معلم شأنی دارد، جایگاهی دارد؛ این جایگاه معلم است.»</p>
۴	حرکت درست آموزش و پرورش:	<p>فرصت:</p> <p>تقویت زیرساخت اصلی علم و تحقیق</p>	<p>«اگر آموزش و پرورش با سیاستهای خود، با رفتارهای خود، با برنامه‌ریزی‌های درست خود، حرکت درستی را دنبال بکند، این زیرساخت روزبه‌روز بهتر و قوی‌تر خواهد شد؛ در زمینه‌ی علم و تحقیق که نیاز اصلی و اساسی و بلندمدت و میان‌مدت و کوتاه‌مدت ما است، کشور غنی خواهد شد؛ اهمیت آموزش و پرورش این است. اگر ما آموزش و پرورش را به حال خودش رها کنیم، دقت لازم را نکنیم و در آموزش و پرورش مشکل درست بشود، این زیرساخت لطمه خواهد خورد؛ آن وقت ضررش دیگر غیر قابل محاسبه است.»</p>
۵	شکل گیری جریان علییه آموزش پرورش:	<p>تهدید:</p> <p>۱- از چشم انداختن آموزش و پرورش</p> <p>۲- بی ارزش کردن آموزش و پرورش</p> <p>۳- از بین برنده اعتماد به آموزش و پرورش</p>	<p>«این را توجه داشته باشید، گزارشهایی که به من میرسد نشان میدهد که یک جریانی - این را من «جریان» احساس میکنم - در کشور سعی میکند آموزش و پرورش را از چشمها بیندازد؛ ارزش آموزش و پرورش را و اعتماد به آموزش و پرورش را در دلها از بین ببرد؛ مقاصدی دارند. این [جریان] از بیرون هم هدایت میشود. حالا بعضی‌ها لجشان میگیرد؛ تا ما میگوییم دستهای خارجی، میگویند شما مدام به خارجی‌ها حمله میکنید! نه، ما ضعفهای خودمان را می‌بینیم؛ اگر ما قوی باشیم، آن خارجی هیچ غلطی نمیتواند بکند، اما او از همین ضعفهای ما است که دارد استفاده میکند، برنامه‌ریزی میکند، نقشه میکشد، نفوذ میکند؛ راه‌های مستقیم را کج میکند، معوج میکند.»</p>
۶	مقابله با ایده دانشگاه گرایی در آموزش و پرورش:	<p>فرصت:</p> <p>۱- گسترش هنرستان‌ها و فنی حرفه‌ای‌ها</p> <p>۲- کاهش بیکاری</p>	<p>«یکی از اشکالات آموزش و پرورش ما، بیماری دانشگاه‌گرایی است. در سطح محیط دانش‌آموزی ما دانشگاه‌گرایی وجود دارد؛ یعنی اگر کسی بخواند درس بخواند و به دانشگاه نرسد، کآته درس نخوانده؛ این خطا است، این غلط است، لزومی ندارد. ما این قدر در کشور نیازهای فوری، فوتی، لازم و مهم داریم که هیچ احتیاجی به</p>

ردیف	موضوع	محور	مستندات
			<p>تحصیلات دانشگاهی ندارد؛ احتیاج به مدرک دکتری و ارشد و غیرذلک ندارد؛ این که بنده سالهای متمادی -چندین بار تا حالا- روی این هنرستانها و فنی حرفه‌ای‌ها تکیه میکنم، به خاطر این است. این بخشهای مربوط به فنی حرفه‌ای را باید تقویت کرد، باید افزایش داد. خیلی‌ها هستند که در تحصیلات مربوط به هنرستان کار کرده‌اند، در فنی حرفه‌ای پیش رفته‌اند، یاد گرفته‌اند، بلد شده‌اند که چه کار کنند، آمده‌اند، مشغول کار کردند؛ هم زندگی مادّی‌شان تأمین است، هم از لحاظ روحی شادابند، هم دارند به جامعه خدمت میکنند؛ این بهتر است یا آن که زحمت کشیده و مدرک دکتری هم گرفته، [اما] بیکار نشسته آنجا، کار پیدا نمیکند، یا اگر کاری هم پیدا بکند، یک کار سطحی کم‌ارزش در فلان دستگاه یا در فلان اداره که [بگویند] برو به عنوان مثلاً مشاور یا مانند اینها آنجا بنشین! چه ارزشی دارد این همه درس خواندن و این همه زحمت کشیدن؟ دانشگاه‌گرایی خطا است».</p>
۷	حضور مردم در انتخابات:	<p>فرصت: ۱- حفظ اقتدار کشور ۲- حفظ اُبهت کشور ۳- حفظ مصونیت کشور</p>	<p>«حضور در انتخابات، حفظ اقتدار کشور است، حفظ اُبهت کشور است، حفظ مصونیت کشور است؛ این است. اگرچنانچه در مورد انتخابات کوتاهی بشود، عواملی دست‌اندرکار بشوند که مردم را دلسرد کنند، مأیوس کنند و کوتاهی بشود در انتخابات، به کشور لطمه خواهد خورد، ضربه خواهد خورد؛ هرکسی هم در این لطمه سهیم باشد، پیش خدای متعال مسئول است. باید در انتخابات، همه شرکت کنند».</p>